



چه نیازی است به شریعتی؟

محمّد باقر شهبازی

گفت‌وگویی را بجا به کار داست و معتقد بود آدمها موجودات حائقی هستند که اگر در ورطه عقلایت ابزاری و منابع شخصی بیفتند، فاتحه آزادی خوانده شده‌است (آلته اودر مانع عمده نیز بر سر راه اخلاق گفت‌وگویی می‌دند: پول و قدرت سیاسی).

جالبتر آن که هایک نیز، که یکی از مهم‌ترین نمایندگان موج تازه لیبرالیسم بعد از جنگ جهانی دوم است، متوجه این معضل شده‌است و نقلت از آرمان‌ها را زنهار می‌دهد و یادآور می‌شود که «ما باید قادر به ارائه برنامه لیبرالی نوعی باشیم که بتواند قوه تخیل را به کار اندازد. باید از نو ایجاد جامعه‌ای آزاد را به ماجراجویی روشنفکرانه تبدیل کنیم، یعنی عملی که احتیاج به شجاعت و شهامت دارد. آنچه کم داریم یک آرمان‌شهر لیبرال است. ما محتاج زهمبران فکری مشتاق به کار کردن روی یک آرمان هستیم، هر چند که امکان تحقق یافتن آن در آینده نزدیک ضعیف باشد... درس اصلی‌ای که یک لیبرال حقیقی باید از موفقیت سوسیالیست‌ها بگیرد این است که شهامت آنها برای آرمان‌گرا بودن موجب جلب حمایت روشنفکران از آنها و بنابراین، تأثیر و نفوذشان بر افکار عمومی شد و آنچه را که تا چند وقت پیش بسیار بعید به نظر می‌رسید به تجربه ممکن روانه تبدیل کرد. آنها این که توجه خود را صرفاً به آنچه در وضعیت فکری موجود عملی به نظر می‌رسید محدود می‌کردند. همواره بی می‌بوفند که حتی بی کار نیز به لحاظ سیاسی به سرعت غیرممکن شده‌است، زیرا افکار عمومی منحول شده و آنها هیچ کاری برای هدایت آن نکرده‌اند. چنانچه نتوانیم شالوده فلسفی جامعه آزاد را دوباره به موضوع زنده فکری (روشنفکری) تبدیل کنیم و تحقق بخشیدن به آن را وجهه هست خود قرار دهیم-کاری که مستلزم به جانش خواستن قدرت تخیل و خلاقیت فعال‌ترین ذهن‌های زمانه ما است-آینده تاریکی در انتظار آزادی خواهد بود».



۳. آرمان‌گرایی نه تنها واجب نیست، بلکه راه‌گشاست و اتفاقاً نیاز امروز ما، و اگر آموزه‌های شریعتی هم آرمان می‌پروراند، گویند، آن محبوب ماسته آرمان، ستاره‌ای است که ره گم نکنیم و امیدوارانه راه ببیماییم. هیچ‌گاه قرار نیست به ستاره برسیم، اما در شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائش، این آرمان و امید است که دلیل صبحی، اگر چه در دور، را نوید می‌دهد و مطمئن می‌سازد که این شبید سحر می‌شود و از تریچه‌های بهار سر می‌رسد.

مگو کاین سرزمین شورده‌زار است

چو فرد در سد و شگ بهار است

بهارا باش کاین خون گل آلود

بوزرد سرخ گل چون آتش از دود

میان خون و آتش ره گشاییم

از این موج و از این توفان برآیم (ه. الف. سایه)

بیرون از دادگاه

عنه آنچه اندر قوایب آرمان‌گرایی آمد، به قوت خود باقیست، اما حال که از محکمه بیرون آمده‌ایم و از حرف‌هایشان نمی‌توانند علیه خودمان استفاده کنند، به نقل از کافکا اعتراف می‌داریم: «چه بسیار امید وجود دارد اما نه برای ماه می‌دهم خود را نوید سال بهتر، سالهاست کویچه هر سالم بتر از یار می‌آید فرود (اول عید، ه. امید)

بی نوشتار:

۱. جبران خلیل جوان

۲. مرسلو، اقیانوس از لیبرالیسم و محافظه‌کاری، حسین بشیریه

۳. اصالت عقلایت ارضی، جیس خنچه‌چری

۴. روشنفکران و سوسیالیسم، مقاله از ایوان هایک، که برای بار اول در بهار ۱۹۹۹ میلادی در مجله

حقوقی و دانشگاه شنگاگر منتشر شد. ترجمه: مهرداد معزی و موسی لطفی‌زاد.

ارزش انسان به آنچه به دست می‌آورد نیست، بلکه به چیزیست که آرزوی به دست آوردنش را دارد.

عده‌ای در پاسخ عنوان این نوشتار، مضمین و پرشایب اظهار می‌کنند: زمانه تغییر کرده‌است و اگر در گذشته شریعتی به کار می‌آمد، دیگر در این دوران چه نیازی است به او؟ این اصاحت، عبور از عقب بدون مرور آثار و توجه به افکار، هزار چندگانه هوس می‌کنند یکی را در تاریخ گذشته یا معاصر بیابند و از آن عبور کنند و بساط خود را در حوالی مکتب و اندیشه دیگری جمع کنند. این گروه در عبور و مرور خود از هیچ خط کشی‌ای پیروی نمی‌کنند و برای اعلام تاریخ انقلاب قانون و استناد خود را دارند و هر چه بیشتر سعی در شناخت قانون‌نشان داشته‌باشی، بیشتر ملول می‌شوی. عذر این حکایت هم اینجاست که کارخانه ویران‌سازی آثار، ظاهری بس زیبا و دل‌ترب دارد و هر آن کسی که تی به کارمندی این کارخانه دهد، از نظرشان به پادویی هم نمی‌آورد، چنین است که اینان مدتی ساز عبور از شریعتی را هم ترک گ رفتند و هر که با آنان ترخیص پیروز شد و حکم آید، ثلوثی‌ها بودند، می‌سواده بودند و آرمان‌گرا بودند و- او را هم صادر کردند تا پاسخگوی این عهه جرایم باشد. البته اتهامات دیگری هم در پرونده شریعتی مطرح است اما این سه، از مهمترین اتهامات بلا شمس است.

تفهیم اتهام:

در باور هیات داور این دادگاه، آرمان‌گرا بودن، یک نوع بیماری روحی و مالیخولیایی است که اگر کاربردی هم داشته باشد مربوط به دوران انقلاب‌هاست و الان هم که دوره مرگ انقلاب‌هاست، آرمان‌گرای باید در همان قبری بخوابد که انقلاب‌ها آرام گرفته‌اند. اتهام روزی‌پوری است و توهم زیست در آرمان شهری که رو به ناکجا آباد دارد و زمین‌سار متکلفات و غرامتی است که آن را آزموده‌ایم. از این روست که آرمان‌گرایان، بنای رفورم بهم می‌زنند و سد راه رفورمیست‌ها می‌شوند. بین شکایت، پیش از همه طیفی از لیبرال‌ها (راست‌نوا) حضور دارند که در

این ماجرا با محافظه‌کاران هم‌توا می‌شوند و با هرگونه طرح و اندیشه خیالی و انتزاعی برای ایجاد دگرگونی در جامعه و سیاست مخالفت‌اند و امر معلوم را بر امر مجهول، امر آزموده را بر امر نيازموذ، واقعیت را بر استغوره، امر موجود را بر امر مطلوب و امر محدود را بر امر نامحدود ترجیح می‌دهند. (امباکل لوکشتات، عقل‌گرایی در سیاست و عقلاوت دیگر) آرمان‌گرایی در فضای فکرمانی این عده معادل رادیکالیسم است که بر خلاف سنت حضرت آدم، به بی‌تابی و طریفتگی حوا بازمی‌گردد که به وعده شیطان در باره امکان زندگی بهتر اقرار شد.

دفاعیه:

۱. اساساً از آرمان سه معنای دورکنیم آن- گریزی نیست، دورکنیم در جامعه شمس و فلسفه در توضیح احکام ارضی می‌گوید: حکم ارضی نسبت یک چیز را با یک آرمان بیان می‌کند. آرمان هم مانند هر چیز، عنصری داد، شمس است. دوست مانند حکم واقعی، بی‌انگزر رابطه دو چیز داده شده‌است. ممکن است بگویند که احکام ارضی، آرمان‌ها را به کار می‌گیرند نه چیزها را و لی در مورد احکام واقعی نیز غیر از این نیست. زیرا مفاهیم هم از ساختن معنای سخن است که اندیشاان آرمانی است و سخن نشان دادن این نکته دشوار نیست که مفاهیم مبتنی بر آرمان‌های جمعی‌اند زیرا مفاهیم فقط در زبان و از راه زبان ساخته می‌شوند و زبان هم به احلا بوجه چیزی جمعی است. بنابراین عناصر حکم در هر نوع حکمی همانندند. گزینش یک هدف اجتماعی یا سیاسی، تابعی است از آرمان اخلاقی.